

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

میرویس ودان محمودی

۱۵ جنوری ۲۰۱۳

"لاله این چمن آلوده رنگ است هنوز"

فتنه های غرب

لاله این چمن آلوده رنگ است هنوز
سپر از دست مینداز که جنگ است هنوز
فتنه ای را که دو صد فتنه به آغوشش بود
دختری هست که در مهد فرنگ است هنوز
ای که آسوده نشینی لب ساحل! برخیز!
که تو را کار به گرداب و نهنگ است هنوز
از سر تیشه گذشتن ز خردمندی نیست
ای بسالعل که اندر دل سنگ است هنوز
باش تا پرده گشایم ز مقام دگران
چه دهم شرح نواها که به چنگ است هنوز
نقش پرداز جهان، چون به جنونم نگر نیست
گفت: ویرانه به سودای تو تنگ است هنوز
از: علامه محمد اقبال لاهوری

استاد گرانقدر و مبارز انقلابی آزاد ل!

معذورم بدارید که در این مدت مدید، نسبت بعضی مشکلات نتوانستم به جواب نبشته علمی تان پردازم، از خواندن و مطالعه نوشته های تان لذت برده و نهایت می آموزم.

به تأیید حرفهای پسندیده و علمی شما که انسان آزاده بندگی هیچ قدرتی را نمی پذیرد، مردم انقلابی ما و در پیشاپیش آنها انقلابیون افغانستان در عمل به ضد استعمار روسها به پا خاستند و زنجیر های بردگی و نوکری را گسستند و به خاطر جوهر و گوهر ناپیدای آزادی و آزادی قربانی بشمارای دادند که تاریخ جهان شاهد این نوع قربانی کمتر بوده است. آری آنانی که آینده های انسانی و انقلابی را در اعماق و زوایای وجودشان حس می کنند و با آن نفس می کشند و سر انجام به خاطر رهائی انسان و برای نجات انسانیت جان می دهند بدون شک و تردید باید به آن جانبازان حماسه ساز و انقلابی به دیده قدر نگرینسته، راه و رسم انقلابی شان را چراغ رهنمای خویش قرار دهند. البته ما از مرتدان و رقاصه ها و فاحشه های سیاسی و یا ارتجاع ساطور به دست مذهبی و دیگر خاینان و میهن فروشان چپ و راست هرگز توقعی

نداریم که از کار نامه های آنانی که با نثار خون شان درخت آزادی را بارور ساختند و سبب شکست و مایه شرمساری یک ابر قدرت وحشی سوسیال فاشیستی گردیدند، آموخته در مسیری که آنها با خون خویش ترسیم نمودند، گام گذارند. عکس آنها، اسمای میر مسجدی ها، غبار ها ، محمودی ها ، سیدال سخندان ها ، بهمن ها ، غلام سرور ها (خواجه عمر) ها - مجید کلکانی ها، فیض ها، انیس آزاد ها ، یاری ها ، سرمد ها ، لهبب ها ، عزیز ها ، موسی ها و،،،،،،،،،، در قلب های توده های میلیونی جا باز کرده است، زمانی که توده ها از آموزگاران، رزمندگان و رهبران انقلابی شان یاد کنند این بهترین افتخار برای یک مبارز و انقلابی می باشد ، نه مرتدان و روسپی های سیاسی همانند فحاشان ، انجویست ها ، فند گیر ها و آنانی که خواهی خواهی به جاده صافکن های ارتجاع و امپریالیسم تبدیل شده اند!

استاد عزیز!

تا ظلم و خیانت ، استثمار و استعمار باشد، جدل و مبارزه است و تا مبارزه انقلابی برای رهائی و ایجاد جامعه بدون طبقه است، ما همه با هم در یک سنگر مشترک هستیم و با ابزار گوناگون به مصاف دشمنان رنگا رنگ می شتابیم و خواهیم شتافت.

در هر کجائی که باشیم دشمن از مقابله و ستیز با ما دست برنمی دارد، مگر این که ما را از راه مان برگردانند . ما چه خواهیم و چه نخواهیم، دشمنان در تعقیبمان خواهند بود تا هویت و شرافت انقلابی ما را لکه دار کنند. در این اواخر از طریق دنیای مجازی از سرزمین های مه آلود و غبار آلوده و نهایت دلگیر، تیر کین و نفرت به جانب ما نشانه گرفته شده است و با کرکتر و طرز عمل نهایت لومپنانه با فحاشی ، دشنام ، بد زبانی، تجاوز به عصمت ، تهمت ، تعدی، ناسزا، زبان درازی، بدزبانی و توهین بر ما و زمین و زمان حمله کرده و دهان نجس شان را در کوبیدن، ترور شخصیت و بد نامی ما باز کرده اند که بوی تعفنش خیلی زننده و نفس گیر می باشد؛ تو گوئی خود شان از دماغ فیل افتاده اند و وظایف ملی و میهنی شان را به وجه عالی و با شرافت انقلابی انجام داده و با کار و پیکار انقلابی شان اشغالگران و طبقات ستمگر را سرنگون ساخته اند و حالا مشغول خدمات انترناسیونالیستی و خدمت برای بشریت می باشند؛ زهی حماقت و چشم سفیدی !!!

"زمین جنبد نجبد گل محمد" این لت های سلطان محمود در جنگ کبیر میهنی هیچ گونه نقشی را در دفاع از افغانستان ایفاء نکرده اند و اما چون چشمدریده اند از طریق دنیای مجازی انترنت با القابهای سرخ و زرد و نشخوار کلمات انقلابی می خواهند خویش را مطرح سازند تا از قافله سیاست انترنتی به عقب نیفتند؛ در حالی که خود شان تا مغز استخوان سکتاریست، ملیت پرست، ارتجاعی، معامله گر، جاسوس و تجزیه طلب بوده و هیچ نوع خدمتی را قبلاً انجام نداده اند.

آنها به علاوه به جز خاکپاشی به چشمان تاریخ و دروغگوئی و لافزنی و امروز هم خویش را در زیر پرده شعار های انقلابی و نام های رهبران انقلابی خود راپنهان کردن، مصدر خدمتی به وطن و هموطن نشده اند و متیقم که در فردای این کشور هیچ گونه خدمتی را انجام نخواهند داد زیرا در مقابل افغان و افغانستان به دیده عقده و نفرت نگریسته و خواهان تجزیه و بر بادی این کشور می باشند!

دشمن عقده ئی به ظاهر انقلابی در باطن ارتجاعی از سر ما دست بردار نیست و توطئه خودش را متوقف نخواهد کرد؛ دشمن همیشه وجود دارد، همان طور که امروز دشمنانی وجود دارد، فردا نیز دشمنان دیگری پیدا خواهد شد باید خویش را در مقابل دشمن نامرد که با اسمای مستعار و القاب انقلابی ظاهر می شود آماده گرد، افشاء و رسوایش ساخت. گ چه این دشمن از اهمیت بسزائی برخوردار نیست و اما باز هم با مشت آهنین بر دهن کثیف و یاوه گویش باید کوبید و گذاشت به هدف نامیمونش برسد. این قماش رنگبازان دغلباز فکر می کنند تا سالیان متمادی مردم را با شعار های سرخ در سایت های انترنتی فریب داده و اما نمی دانند که روزی مردم به این آگاهی خواهند رسید که سوال

کنند؛ چرا در گذشته سی سال این لفاظان «سرخ» یک حرکت کوچک انقلابی را در داخل کشور منسجم و به راه نینداخته اند و تنها حرف و لفاظی کرده و با نامهای مستعار از خود یک درجن گله نشان می دهند؛ آخر تا چه وقت فریب دادن و دغلبازی؟! مردم بالاخره به ماهیت پلید و ضد انقلابی شان پی خواهند برد، البته مردمی که به انترنت دسترسی دارند نه توده های میلیونی پا برهنه و گرسنه که حتما از موجودیت شان بی خبرند!

تا به کی در زیر نامهای رهبران پرولتاریا و اشعار انقلابی پنهان شدن؟

این که کبک سرش را زیر برف کرده است که شناسائی نشود و اما ما دمش را می بینیم و هم می دانیم که کبک سرش را زیر برف کرده است و انواع کبکها را نیز می شناسیم!

با استمرار مبارزه و افشاءگری علیه فحاشان خارج نشین این جاسوسان «واواک» و آی اس آی و جاده صافکن های امپریالیسم، و دشمنان عمده ارتجاعی و امپریالیستی مردم و کشور، تسلیم طلبان هیلیکوپتر سوار دیروزی که امروز بعد از سالها انقیاد طلبی و در پشت چین کرزی و باندش خوشرقصی نمودن تازه به خاطر ایجاد افتراق بین عناصر انقلابی و به کجراهه کشاندن مبارزه اعلام وجود نموده اند؛ مبارزان داخل و خارج باید خود را برای نبردی آماده سازند که به نابودی محتوم طبقات ارتجاعی و باداران امپریالیستی شان بینجامد و در این مصاف لحظه ای نباید درنگ نمایند. باید تداوم مبارزه و ایستادگی را در مقابل مشکلات گوناگون، تنها راه علاج و برون رفت از مشکلات قبول کرد و این تنها راهی است که ما را به سر منزل مقصود میرساند.

باید میراث گهر بار و پر افتخار چپ انقلابی یعنی (شعله جاوید) را از چنگال دلالان و روسپیان غیر شعله ئی رهانید و نگذاشت اسم مطهر این مظهر بالندگی را به لجن بکشانند.

باید (شعله جاوید) را حزب طبقه کارگر، دهقان و زحمتکش ساخت و نگذاشت که اسمای زنده یاد پروفیسر داکتر «عبدالرحمن محمودی» و زنده یاد داکتر «عبد الرحیم محمودی» به فراموشی سپرده شود و اسمای افراد و اشخاص دیگر تعمیل گردد.

بلی من زنده ام تا تو زنده ای، باید این را معیار مبارزه و هدف برای وحدت تمامی نیرو های انقلابی قرار داد، همچو زنجیر پولادین به هم وصل شد و پیچید و راه و رسم یاران و رهبران انقلابی مان را که همان رهائی مردم و رهائی میهن و استقرار جامعه عدل و انصاف است، تا آخر بپیومد

امروز ت روی ها و پخپل سربها بین ما دوری ایجاد می کند و هیچ نیروئی به تنهایی نمی تواند علمبردار مسیری شود که توسط رهبران پرولتاریا و رهبران وطنی خود ما ترسیم گشته است. باید همه و همه یکجا شویم و متحدانه برای ساختمان حزب طبقه کارگر، دهقان و همه زحمتکش با شناخت عمیق از مردم و جامعه ای خویش، تصمیم بگیریم! اگر هدف سرنگونی طبقات و ساختمان جامعه بی طبقه باشد، پس می توان با در نظر داشت سطح علمی-سیاسی و فرهنگی جامعه از طرق مختلف مبارزه کرد تا به هدف رسید؛ شعار های سرخ و اسمای سرخ بدون آمادگی های لازم قبلی و مردم را به سرحد پذیرش آن رسانیدن] چه دردی را در این برهه زمانی مداوا خواهد کرد؟

با الهام از مبارزات یاران و رهبران انقلابی ما و ارج گذاشتن به راه و رسم شان باید راهی را ترسیم کرد که میهن و مردم را از ازا این فاجعه دردناک رهانید!

دستان قلم آشنای تانرا با حرارت می فشارم و بر پیشانی مردانه تان بوسه می زنم.

درد و هزاران درود بر مبارزانی که با نثار خون شان برای ما درس آزادی، مردانگی و انقلاب را آموختند!

به پیش به سوی وحدت و یکپارچگی تمامی نیرو های انقلابی!